

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده : محمود شاداب
۳۱ اگست ۲۰۱۸

[ارغوان نماند]

شرم و حیا به دیده خرد و کلان نماند
رفت و روی که داشت عزیزان سقوط کرد
نیک و بد جهان همه بر جان رسیده اند
تا بار تاجران سر موتر فتاده است
پیران بماند و رفت جوانان روزگار
ویرانه های این وطن آباد چون شود
تفریحگاه کابل مابود ای دریغ
ای عشقوری خموش ز اصل و نسب می پرس
نور و نمک به چهره پیر و جوان نماند
قشخانه ها خراب شد و مهمان نماند
گر راهسپری با کسی تاب و توان نماند
ساز جرس به شیروئی کاروان نماند
تیری به چله خانه زه کمان نماند
مردان با فراست و کاریگران نماند
خواجه صفا خراب شد و ارغوان نماند
مردان با شرافت یک خاندان نماند